

واکاوی تحلیلی بینامتنیت احادیث نبوی (ص) در اشعار ابوالعتاهیه

دکتر غلامعباس رضایی هفتادار^۱

محمدحسن امرایی^۲

پژمان مظفری^۳

چکیده

ابوالعتاهیه از شاعران پرآوازه دوره عباسی است که اشعاری زیبا در فنون مختلف ادبی به‌ویژه زهدیات سروده است، تا جایی که او را پیشوای شعر زهد در این دوره، لقب داده‌اند. صاحب‌نظران و ناقدان در مورد ریشه اشعار زاهدانه وی، دیدگاه‌هایی مختلف دارند. برخی، زهدیات او را متأثر از اندیشه‌های مانوی و برخی وی را وام‌دار فرهنگ یونانی و بودایی و برخی دیگر نیز، او را متأثر از فرهنگ اسلامی و عقاید نبوی دانسته‌اند. این مقاله، با روش تحلیلی-توصیفی، بینامتنیت احادیث نبوی مکرم اسلام (ص) در اشعار زاهدانه ابوالعتاهیه را به‌بوتة نقد و تحلیل ادبی گذارده است. اثرپذیری شاعر از احادیث پیامبر اکرم (ص) ابعادی گسترده دارد که اثرپذیری از واژگان، عبارات و مضامین احادیث به‌گونه غیر مستقیم و پنهان، برخلاف شیوه‌های رایج در میان شاعران، از جمله آن‌ها به‌شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: احادیث پیامبر (ص)، بینامتنیت، ابوالعتاهیه.

۱. دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران ghrezaee@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی، نویسنده مسئول amrayy77@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی zafari6262@gmail.com

مقدمه

سخنان اهل بیت (ع) علاوه بر علمی بودن، فصیح نیز هستند؛ امام صادق (ع) در این باره چنین فرموده است: «أَعْرَبُوا أَحَادِيثَنَا فَإِنَّا قَوْمٌ فَصَحَاءُ» «سخنان ما را درست ادا کنید زیرا ما خود فصیح هستیم» از این رو وجود ادبیات و فصاحت لازم در آن در گفتار و احادیث امامان (ع) اثبات می‌شود (پروینی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱) خداوند متعال در آیاتی از سورهٔ نجم، عظمت احادیث نبوی را چنین تبیین نموده‌اند: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم: ۳-۴) «و (پیامبر) از روی هوس سخن نمی‌گوید.» این سخن به جز وحی‌ای که وحی می‌شود، نیست» امام علی (ع) خود و نزدیکانشان را به سخن‌وری و سخن‌دانی ممتاز می‌داند و می‌گوید: «خُصِّصْنَا بِخَمْسٍ: فَصَاحَةٍ وَصَبَاحَةٍ وَسَمَاحَةٍ وَنَجْدَةٍ وَحُطُوَةٍ» «ما به پنج خصلت از دیگران ممتاز هستیم: فصاحت، زیبایی رخسار، گذشت، شجاعت و محبوبیت.» (جاحظ، ۱۴۲۳: ۶۷/۲). بنابراین، بدون تردید احادیث نبوی، مقدس‌ترین متون عربی بعد از قرآن کریم به شمار می‌روند و ظهور آن‌ها در عرصهٔ ادبیات، غنایی خاصی به درون‌مایه و سبک هنری شاعران بخشیده و تأثیری قابل‌توجه در دیدگاه و رویکرد فرهنگی و ادبی آن‌ها گذارده است.

دوست‌داران شعر و ادب همواره از تصاویر زیبای احادیث نبوی و فصاحت واژگان و بلاغت عبارات و اصطلاحات آن در آثارشان بهره‌ها گرفته و به فراخور ذوق و استعدادشان از گنجینهٔ بی‌پایان اسالیب و مضامین آن استفاده برده‌اند؛ در میان شاعران دورهٔ عباسی، ابوالعاهیه به خاطر انس با آیات و احادیث نبوی، جایگاهی خاص در میان دیگر شاعران یافته است و اشعار زاهدانهٔ وی نمونه‌ای بارز از ادبیات دینی - مذهبی، به ویژه در دورهٔ اول عباسی به شمار می‌رود. شعر او دارای درون‌مایه‌های فراوانی از روایات و احادیث است که از جنبه‌هایی متعدّد، از جمله اثرپذیری از واژگان، عبارات و مضامین احادیث نبوی قابل بررسی و بازنگری است. نوآوری‌های این شاعر عباسی از قرآن و احادیث نبوی در اشعار زاهدانه که حاصل ذوق و استعداد ادبی ایشان است، سبب شده است تا برخی سخن‌شناسان، برخلاف آرای دیگران در مورد سرچشمه‌های افکار و عقاید این شاعر، که ریشهٔ زهدیات او را به فرهنگ ایرانی نسبت می‌دهند، او را در آرا و اندیشه‌های خود، به طور کامل متأثر از مضامین اسلامی و به ویژه احادیث گهربار پیامبر اکرم (ص) می‌دانند و اتهامات

برخی ناقدان دیگر را در زمینه اثرپذیری او از فرهنگ مانوی و بودایی، ضعیف و بی‌اساس مطرح می‌نمایند.

این مقاله در صدد است تا ضمن واکاوی اثرپذیری ابوالعتاهیه از احادیث پیامبر اکرم (ص) در اشعار وی، به گونه‌ای مستقل و خاص، ابعاد مختلف آن را نیز، در خلال این احادیث، از نظر واژگان، ترکیبات و مضامین مختلف، تحلیل و تبیین نماید.

۱- سؤال‌های پژوهش

- ۱- مهم‌ترین فرهنگ‌ها و مکاتب دینی الهام‌بخش ابوالعتاهیه در اشعار زهدیات او کدام است؟
- ۲- روابط بینامتنی احادیث نبوی با اشعار ابوالعتاهیه به چه گونه‌هایی صورت پذیرفته است؟
- ۳- آیا احادیث نبوی، افزون بر سبک شاعر بر اندیشه‌ها و مضامین شعری وی هم، اثرگذار بوده است؟

۲- فرضیه‌های پژوهش

- ۱- ابوالعتاهیه، اندیشه‌ها و محتوای زهدیات خود را از فرهنگ اسلامی و به ویژه احادیث رسول گرامی (ص) در اشکال و ابعاد گوناگون گرفته است؛
- ۲- اثرپذیری ابوالعتاهیه از احادیث نبوی غالباً از نظر واژگان، عبارات و مضامین است. احادیث نبوی نه تنها از نظر واژگان و ساختار عبارات؛ بلکه از نظر مضامین نیز، بر شعر ابوالعتاهیه اثر گذارده است.

۳- پیشینه پژوهش

امروزه تحقیقات و پژوهش‌هایی فراوان در زمینه بینامتنیت قرآن و احادیث صورت گرفته و مقالاتی متعدد در این زمینه به نگارش درآمده است. ویژگی غالب این پژوهش‌ها، بررسی بینامتنیت آیات قرآن و احادیث نبوی در آثار شاعران و ادیبان به گونه‌ای اقتباس مستقیم و رایج و یا به گونه‌ای تلمیح است. با این حال، پژوهش در زمینه تجلی احادیث نبوی در شعر ابوالعتاهیه، بیشتر به گونه‌ای اقتباس پنهان، بر خلاف اقتباس رایج و مستقیم در میان شاعران است، تا جایی که در تزیین متون ادبی خود تنها به تکرار واژگان اکتفا نکرده است؛ بلکه به والاترین سطح بینامتنیت، یعنی به کارگیری معنا در بافتی جدید و فضایی نو پرداخته است. صاحب‌نظران و پژوهش‌گران از زوایایی

گوناگون اشعار ابوالعناهیة را مورد بررسی و تحقیق قرار داده و مقالاتی فراوان درباره او نگاشته‌اند که موارد زیر از جمله آن‌ها به شمار می‌رود:

۱. سعیدی (۱۳۸۹)، دراسة حول حقيقة زهدیات ابی العناهیة؛
۲. دلشاد (بی‌تا)، زهدیات ابی العناهیة بین القرآن و الحدیث؛
۳. اشکوری (۱۳۸۹)، مقارنۀ بین ابی العناهیة و ناصر خسرو فی الشعر الزهد؛
۴. شفیع (۱۳۹۰)، دنیای مذموم در اندیشه ابوالعناهیة با استناد به آموزه‌های دینی؛
۵. ارزنده (۱۳۷۲)، ابوالعناهیة، دائرة المعارف بزرگ اسلامی؛
۶. سبزیان پور (۱۳۸۹)، تأثیر کلام امام علی (ع) در اشعار ابوالعناهیة.

ویژگی عمده این مقالات، به ویژه مقالاتی که از اثرپذیری ابوالعناهیة از مضامین اسلامی بحث نموده‌اند، این است که تنها سخنان امامان (ع) بعد از رسول اکرم (ص) را بازتاب داده‌اند و بسیار اندک به احادیث نبوی در اشعار ابوالعناهیة پرداخته‌اند. به عنوان مثال مقاله: «زهدیات ابی العناهیة بین القرآن و الحدیث»، که جعفر دلشاد آن را نگاشته است، تنها به دو مورد از تأثیر احادیث نبوی در اشعار ابوالعناهیة اشاره کرده است، و همچنین برخی از پژوهش‌گران این مقالات، مانند نگارنده مقاله: «ابوالعناهیة در دائرة المعارف بزرگ اسلامی» و برخی ناقدان ادب عربی، مانند شوقی ضیف نیز، او را به اثرپذیری از عقاید مانویان در زهدیات خود متهم ساخته‌اند (ضیف، بی‌تا، ۲۴۲)؛ به همین منظور، این مقاله، ضمن بررسی اثرگذاری احادیث نبوی به گونه‌ای مستقل، در دیوان این شاعر، سعی دارد تا در خلال این مقاله به قدر توان این آتهامات را از او نیز بزداید.

۴- زندگی‌نامه ابوالعناهیة

ابوالعناهیة اسماعیل پسر قاسم پسر سوید در سال (۱۳۰هـ) در عین التمر از توابع شهر کوفه دیده به جهان گشود. (اصفهان، ۱۴۲۳: ۶/۴) او در کوفه پرورش یافت و به لهو و لعب و خود آرایسی پرداخت و بعد از مدتی آرزوی دربار خلفا در سرش افتاد و راهی دیار بغداد شد و در زمان خلافت مهدی عباسی (۱۵۹-۱۶۹) از جمله مقربان خلیفه درآمد و در مدح او قصایدی سرود (فاخوری، ۲۰۰۵: ۷۱۴/۱). شاعر در سال (۱۸۰هـ) از غزل‌سرایی و مدح روی گردانید و به سرودن زهدیات،

پند و اندرز، یاد مرگ و هراس از آن گرایید. وی سرانجام در سال (۲۱۰هـ) در بغداد دیده از جهان فرو بست. (اصفهانی، همان: ۳۵/۴).

۵- تگاهی گذرا به زهدیات ابوالعتاهیه

ابوالعتاهیه از شاعران پرآوازه دوره عباسی است که در سرودن اشعار زاهدانه شهرت و مهارتی خاص یافته است. او، در دیگر اغراض شعری نیز شاعری توانا و چیره‌دست به شمار آمده و شعرش دارای شیوایی، نوآوری، سادگی، آهنگ و موسیقی خاص است، تا جایی که مسعودی او را در انتخاب واژگان شیرین و استوار، تواناترین شاعر به حساب آورده است (مسعودی، ۱۹۹۱: ۱۳۱۷). ابن قتیبه نیز او را شاعری نو ظهور معرفی می‌کند که دارای الفاظی روان و لطیف است که پیش از او کسی این چنین در فنون مختلف شعری نسروده است (دینوری، ۱۴۰۵: ۵۳۴)؛ با این حال، برخی ناقدان به مضامین زاهدانه او با دیده شک و تردید نگریسته و نسبت زندیق و کافر به او داده یا او را متأثر از عقاید مانوی دانسته‌اند. ابوالفرج اصفهانی از «منصور بن عمار» نقل نموده که او ابوالعتاهیه را زندیق و کافر دانسته و گفته است که به همین دلیل، ابوالعتاهیه در اشعارش از بهشت و جهنم سخن به میان نمی‌آورد و تنها درباره مرگ سخن می‌گوید. (اصفهانی، همان: ۳۴/۴ - ۳۵). اما در رد این دیدگاه باید گفت که ابوالعتاهیه در زمان حیات خود، آن اتهام را از خودش دور ساخته و گفته است که سبب این اتهام آن است که روزی ابن عمار برای مردم داستان می‌گفت و من به مردم گفتم که او آن را از مردی کوفی سرقت نموده است و در مقابل او چنین اتهامی را بر من وارد ساخت. (همان، ۳۵) قابل ذکر است که شاعر، برخلاف دیدگاه منصور بن عمار، در بسیاری از اشعارش از نعمت‌های بهشت و عذاب جهنم سخن رانده است؛ به عنوان مثال بیت زیر، در مقابل فریبندگی‌های دنیا، بهشت جاوید و نعمت‌های آن را به یاد انسان می‌اندازد:

إِذَا ذَكَرْتُكَ النَّفْسُ دُنْيَا دُنْيَا فَلَا تَنْسَ رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ وَخُلْدِهَا

(ابوالعتاهیه، ۱۹۹۹: ۱۱۰)

هر گاه نفست تو را به یاد دنیای پست انداخت، باغ‌های بهشت و جاودانگی آن را فراموش نکن. اما در حقیقت، ابوالعتاهیه بسیاری از مضامین شعری خود را از آیات قرآن و احادیث نبوی و متون اسلامی گرفته است. مصطفی هدّاره، در تأیید این سخن می‌گوید: ما به طور قطع بر این باور هستیم که ابوالعتاهیه سرشار از ایمانی راسخ و عمیق به مبانی اسلام بوده است. (هدّاره، ۱۹۹۷: ۲۶۹)

برخی ناقدان دیگر نیز معتقد می‌باشند که زهدیات ابوالعناهیة، اسلامی است و بر پایه تقوا و پرهیزکاری سروده شده است (تطاوی، بی تا: ۱۴۳) بدیهی است که با نگاهی به آیین و عقاید مانویان دانسته می‌شود که آنان در این دنیا معتقد به دو خدا، یکی خدای روشنایی و دیگری خدای تاریکی هستند؛ اما ابوالعناهیة در اشعارش، توحید و یگانگی خدا را سر می‌دهد و هر پدیده‌ای را نشانه یگانگی او می‌داند:

۱. فَيَا عَجَبًا كَيْفَ تُعْصَى الْإِلَٰهُ أَمْ كَيْفَ يَجْحَدُهُ الْجَاحِدُ
 ۲. وَفِي كُلِّ شَيْءٍ لَّهُ آيَةٌ تَذَلُّ عَلَيَّ أَنَّهُ وَاحِدُ
 (ابوالعناهیة، همان: ۹۱)

۱. خیلی تعجب می‌کنم که چگونه خداوند نافرمانی می‌شود و یا چگونه یک منکر او را انکار می‌کند. ۲. و در هر چیزی نشانه‌ای است که بر یگانگی او دلالت می‌کند.

ابیاتی بسیار که این شاعر درباره توحید و یگانگی خداوند متعال سروده و استعمال شماری فراوان از احادیث نبوی در اشعارش، شواهد و دلایلی ارزشمند بر بطلان چنین اتهام‌هایی است.

مهم‌ترین ویژگی‌ای که اسلوب هنری شاعر را روان و جذاب ساخته، وام‌گیری از تصاویر زیبای فنی و هنری رسول گرامی (ص) است که مضامین و سبک شعری خود را با آن آراسته است. ابوالعناهیة، این اثرپذیری را به گونه اقتباس رایج و آشکار به مانند دیگر شاعران به کار نبرده و تنها به اقتباس واژگان بسنده ننموده؛ بلکه احادیث نبوی را در قالب و ساختار اشعار خود، بازآفرینی نموده است. وی، از احادیث نبوی، موضوعاتی هم‌چون بی‌وفایی و بی‌ارزشی دنیا، پرهیزکاری و فضایل اخلاقی از قبیل قناعت، پاکدامنی و... را به گونه اقتباس پنهان در اشعار خود برگرفته است. او، در برخی موارد، به صراحت به بهره‌گیری از احادیث شریف پیامبر (ص) در اشعارش اشاره نموده است. به عنوان مثال «ثمامه پسر اشرس» روایت می‌کند که روزی ابوالعناهیة ابیات زیر را برایم سرود:

۱. إِذَا الْمَرْءُ لَمْ يَعْتَقْ مِنَ الْمَالِ نَفْسَهُ تَمَلَّكَهُ الْمَالُ الَّذِي هُوَ مَالِكُهُ
 ۲. أَلَا إِنَّمَا مَالِي الَّذِي أَنَا مُنْفِقُهُ وَلَيْسَ لِي الْمَالُ الَّذِي أَنَا تَارِكُهُ
 ۳. إِذَا كُنْتَ دَامَالٍ فَبَادِرْ بِالذِّی يَحِقُّ وَإِلَّا اسْتَهْلَكْتَهُ مَهَالِكُهُ

(همان: ۲۴۲)

۱. اگر انسان خود را از (حب) مال آزاد نکند، مالی که او صاحب آن است، صاحب و مالک او می‌شود و بر او چیره می‌گردد. ۲. آگاه باش که مال من، همان است که من آن را می‌بخشم و مالی که بعد از مرگ خود، آن را به جا می‌گذارم، مال من نیست. ۳. اگر مال و سرمایه‌ای داری، به چیزی که آن را ثابت و جاودانه می‌کند، مبادرت کن (و آن را به صدقه بده) و اگر چنین نکردی، نابودی آن را از بین می‌برد و خرج می‌شود.

به او گفتم از کجا به چنین مضامینی زیبا دست یافتی؟ ابوالعتاهیه در جواب گفت از این حدیث شریف پیامبر (ص) که فرمود: «إِنَّمَا لَكَ مِنْ مَالِكَ مَا أَكَلْتَ فَأَقْنَيْتَ، أَوْ لَبَسْتَ فَأَبْلَيْتَ، أَوْ تَصَدَّقْتَ فَأَمْضَيْتَ» (اصفهانی، همان: ۱۶/۴) «از مال خویش بهره‌ای نداری به جز آن‌چه را که خوردی و تمام نمودی، یا پوشیدی و پاره کردی، یا صدقه دادی و به انجام رساندی.»

یکی دیگر از منتقدان معاصر به اثرپذیری ابوالعتاهیه از احادیث اشاره می‌کند و می‌گوید: شاعر در موضوعاتی بسیار هم‌چون تصویر مرگ، تصویر دنیا، پرهیزکاری، قناعت، پاکدامنی از گنجینه‌های بی‌پایان قرآن، احادیث رسول اکرم (ص) به وفور بهره‌ها برده است (علیان، ۱۴۲۳: ۳۷).

۶- نظریه «بینامتنیت» و کاربست آن با زهدیات ابوالعتاهیه

اصطلاح «بینامتنیت» از مفاهیمی است که تعاریفی مختلف از آن ارائه شده؛ اما به اختصار، «بینامتنیت نظریه‌ای است که به بررسی روابط بین متنی می‌پردازد و موجب آفرینش متن جدید می‌شود.» (عزام، ۲۰۰۵: ۱۱۴) «ژرار ژنت» فرانسوی معتقد است که بینامتنیت: «رابطة حضور هم‌زمانی بین دو یا چند متن» یا «حضور عملی یک متن در داخل متن دیگر به درجاتی مختلف از وضوح و غموض» به گونه‌ای است که فقط می‌توان باهوش سرشار آن را دریافت (ژنت، ۱۹۸۵: ۵). مایکل ریفاتیر نیز می‌گوید: «متن ادبی پیوسته به چیزی تبدیل می‌شود که به روشی متفاوت و در زمان و مکانی دیگر گفته شده است.» (ریفاتیر، بی‌تا: ۲۲۹) بینامتنیت بر این اصل استوار است که متون گوناگون در شکل‌گیری متون نوین مؤثر هستند و می‌توان حضور آن‌ها را لمس نمود. بنابراین، منظور از اصطلاح بینامتنیت، می‌تواند ارتباط موجود بین هر متن ادبی یا متون دیگر باشد. با توجه به این تعریف‌ها، می‌توان اصطلاح بینامتنیت را متشکل از سه محور اساسی فرض نمود:

الف - «متن حاضر» ← یا هر متن و متن موجود (اشعار زهدیات ابوالعتاهیه)؛

ب- «متن غایب» ← یا متن مفقود یا متن اثرگذار «احادیث و سخنان نبی مکرم اسلام (ص)»؛

ج- «عملیات بینامتنیت» ← روابط بینامتنی میان این دو متن. در واقع، کوچ معنا از متن پنهان به متن حاضر، عملیات بینامتنی نام دارد که مهم‌ترین بخش در تفسیر متون است (میرزایی، ۱۳۸۸: ۲۱۱).

قابل ذکر است که اصطلاح «بینامتنیت» برای نخستین بار توسط ژولیا کریستوا بین سال‌های ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ مطرح شد و مورد توجه ناقدان و صاحب‌نظران حوزه ادبیات قرار گرفت. (تودروف، ۱۳۸۲: ۱۲۱) این اصطلاح منحصر به مباحث ادبی نیست؛ بلکه در مباحث سینما، تولیدات فرهنگی و هنری نیز مطرح می‌شود. بینامتنیت انواعی مختلف دارد. (میرزایی، همان: ۳۰۶) که در یک نوع خاص از آن (قانون‌های سه گانه بینامتنیت)، بازآفرینی متن پنهان به سه صورت دیده می‌شود:

۱. نفی جزئی یا اجترار: وجود جزئی از متن غایب در متن حاضر به شمار می‌رود که ممکن است تعامل بین دو متن به صورت یک جمله یا یک عبارت و یا یک کلمه باشد؛

۲. نفی متوازی یا امتصاص: در این وجه، متن پنهان پذیرفته شده و به صورتی در متن حاضر به کار رفته است که جوهره آن تغییر نکرده و وجود کلمات کلیدی ذهن مخاطب را به سمت متن غایب رهنمون می‌سازد؛

۳. نفی کلی یا حوار: این نوع از روابط، بالاترین درجه بینامتنی است و نیاز به خوانشی آگاهانه و عمیق دارد که متن پنهان را دریابد. متن پنهان بازآفرینی شده و متن حاضر به گونه‌ای برخلاف معنای متن پنهان به کار رفته است. (همان، ۲۱۱)

این مقاله که با رویکرد توصیفی تحلیلی نگاشته شده، بر آن است تا به کاربست روابط بینامتنی مذکور با اشعار زهدیات ابوالعاهیه بپردازد. در این جستار، «متن اصلی»، همان «اشعار زاهدانه ابوالعاهیه» و «متن غایب» نیز، «احادیث نبی مکرم اسلام (ص)» است که تلاش شده تا روابط موجود میان این دو متن بررسی شود و تصویری روشن از این پدیده در شعر ابوالعاهیه به مخاطبان ارائه گردد. بررسی عملیات بینامتنی در اشعار ابوالعاهیه نشان می‌دهد که بیش‌ترین شکل بینامتنی احادیث پیامبر اکرم (ص) در شعر این شاعر به صورت «نفی کلی» (حوار) و «نفی متوازی» است. افزون بر این، شاعر در کاربرد بینامتنیت مضمونی؛ ضمن بهره‌گیری از الفاظ و مفاهیم احادیث

پیامبر اکرم (ص)، در آن‌ها تغییراتی جزئی داده و مفهوم آن سخنان را به زبان شعر بیان نموده است. از طرفی، احیاناً ملاحظه می‌گردد که شاعر با هنرمندی تمام، کلمات کلیدی یا بخشی از کلام نبوی را گرفته و با تغییراتی اندک، آن را در جهت پیشرفت اهداف و مقاصد ادبی خود به خدمت گرفته و بر ارزش ادبی کلام خویش افزوده است. این موضوع بر ساختار واژگانی و اسلوب ادبیات شاعر نیز تأثیر گذاشته است.

۷- ابعاد مختلف اثرپذیری ابوالعناهیة از احادیث نبوی

با تاملی اندک در دیوان ابوالعناهیة دانسته می‌شود که بهره‌گیری شاعر از احادیث نبوی، به قدری در دیوانش پررنگ و برجسته است که با تأکید می‌توان گفت یکی از شاخصه‌های مهم و ارزشمند شعر او استفاده از واژگان، عبارات و به‌ویژه مضامین احادیث رسول اکرم (ص) است که فضایی عطرآگین بر اشعارش حاکم ساخته و اشعار او را به مجموعه‌ای از معارف انسانی و تعالیم والای دینی تبدیل ساخته است. این اثرپذیری در ابعاد و انواعی مختلف از وام‌گیری، از جمله واژگانی، عباراتی، مضامین و مفاهیم احادیث تجلی یافته است. این مقاله به بررسی و پژوهش ابعاد و اشکال این اقتباس و اثرپذیری در چهارچوب بینامتنیت می‌پردازد؛ اما قبل از وارد شدن به موضوع اصلی پژوهش، ذکر دو نکته لازم و ضروری به نظر می‌رسد:

۱- اشعار ابوالعناهیة در این مقاله، به دیوان چاپ بیروت، مؤسسه الأعلمی، چاپ اول (۱۹۹۹)

تحقیق شیخ غرید ارجاع داده شده است؛

۲- با توجه به حجمی وسیع از احادیث نبوی که ابوالعناهیة در اشعارش به کار برده است؛ لذا در

این مقاله، بیش‌تر به تحلیل و پژوهش احادیثی که در میان اهل سنت و اهل تشیع به گونه‌ای مشترک در منابع اصلی بیان شده، پرداخته شده است.

۷-۱: اثرپذیری ابوالعناهیة از واژگان احادیث

اثرپذیری ابوالعناهیة از واژگان و مفردات احادیث رسول اکرم (ص) به وفور در دیوان او دیده می‌شود و پرداختن به تمامی آن‌ها، مجالی طولانی طلب می‌کند؛ لذا در این مقاله به نمونه‌هایی که برجستگی‌ای بیش‌تر در حدیث پیامبر اکرم (ص) داشته و نیز به تولید معنایی بارزی در مضامین اشعار شاعر انجامیده است، بسنده می‌شود:

۷-۱-۱: دنیای دتیه

ابوالعناهیة در بسیاری از اشعارش، انسان را از دل‌بستگی به دنیا و فریبندگی‌های آن بر حذر داشته و در تلاش است تا او را متوجه نعمت‌های همیشگی بهشت می‌کند که بیت زیر از آن جمله است:

إِذَا ذَكَرْتَكَ النَّفْسُ دُنْيَا دَيْيَّةَ فَلَا تَنْسَ رَوْضَاتِ الْجَنَانِ وَخُلْدَهَا

(ابوالعناهیة، همان: ۱۱۰)

هر گه نفس، تو را به یاد دنیای بی‌ارزش انداخت، باغچه‌های بهشت و جاودانگی آن را فراموش نکن. در این بیت، شاعر با توجه به سخن نبی مکرم اسلام (ص) به توصیف دنیا و ویژگی‌های آن پرداخته است. در بحارالانوار نقل شده که روزی «از پیامبر اکرم (ص) سؤال شد چرا دنیا را به این اسم نامیده‌اند؟ فرمود: «لأنَّ الدُّنْيَا دَيْيَّةٌ، خُلِقَتْ مِنْ دُونِ الْآخِرَةِ» (زیرا دنیا دنیسه (فرومایه) است و پایین‌تر و کم‌ارزش‌تر از آخرت آفریده شده است.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۷۶/۷)

۷-۱-۲: ذنوب موبقات «گناهان کشنده»

ابوالعناهیة، در جایی دیگر از دیوانش، انسان را به توبه و بازگشت از گناهان هلاک‌کننده، سفارش نموده و با الهام از حدیث پیامبر اکرم (ص) در این زمینه، به ارشاد و هدایت مردم پرداخته است و آنان را از پرستش این دنیای فانی بر حذر می‌دارد. او ضمن فراخوانی انسان برای ترک گناهان مهلک و کشنده، معتقد است که چون انسان در این دنیا جاودانه و همیشگی نیست؛ لذا شایسته است که به آن دل‌بسته نباشد:

فَتُوبُ مِنَ ذُنُوبِ مُوبِقَاتِ جَنَّتِهَا وَمَا أَنْتَ فِي دُنْيَاكَ هَذِي مُخَلَّدِ

(ابوالعناهیة، همان: ۱۱۲)

از گناهانی کشنده که مرتکب شده‌ای، توبه کن؛ زیرا تو در این دنیایت جاودانه نیستی! در فرازهایی از دعاهای رسول اکرم (ص) عبارت «ذنوب موبقات» چنین آمده است: «وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ مُوبِقَاتِ الذُّنُوبِ» (مجلسی، همان: ۱۵۳/۹۸) «از گناهان کشنده به خدا پناه می‌برم» و در حدیثی دیگر از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «هر کس ده مرتبه بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ...، وَمَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ مُوبِقَاتٍ» (ترمذی، ۱۹۹۸: ۴۳۵/۵) «هیچ خدایی جز خداوند متعال وجود ندارد، یکتا است و هیچ

شریکی ندارد، فرمانروایی و ستایش تنها از آن او می‌باشد، زنده می‌کند و می‌میراند و او بر هر چیزی توانا است ... ده گناه هلاک‌کننده از او محو و نابود می‌شود.»

۷-۳: دارالقرار و دارالغرور

ابوالعتاهیه در بیت زیر، دنیا را سرای آسایش نمی‌داند و معتقد است آسایش و راحتی تنها در «دارالقرار» یعنی سرای آخرت وجود دارد و چنین می‌سراید:

أَفْ لِلدُّنْيَا فَلَيْسَتْ هِيَ بِدَارٍ إِنَّمَا الرَّاحَةُ فِي دَارِ الْقَرَارِ
(ابوالعتاهیه، همان: ۱۳۱)

از این دنیا منتفر هستم که سرای فانی است و راحتی و آسایش تنها در سرای باقی «آخرت» است.

هم او به تاسی از حدیث مبارکه زیر، آخرت را «دارالقرار» نامیده است: «مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا... أُخْرِجَهُ اللهُ مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا إِلَى دَارِ الْقَرَارِ» (مجلسی، همان: ۱۴۳/۹۵) «هر کسی در این دنیا تقوای الهی پیشه کند ... خداوند او را به سلامت از سرای دنیا به سرای جاودان آخرت رهسپار می‌کند.» از آن‌جا که شاعر با الهام از فرمایش‌های نبوی، روز آخرت را «دارالقرار» نامیده، سرای دنیا را نیز در بیت زیر «دارالغرور» یعنی سرای فریب نام نهاده است:

فَلَا تَحْسَبِ الدَّارَ الْغُرُورَ فَتَضْفُو صَاحِبِهَا أَوْ تَطْلُبُ
(ابوالعتاهیه، همان: ۳۸)

این دنیا را سرای فریب به شمار نیاور پس صاحب آن را ستایش می‌کنی. اصطلاح دارالغرور در بیت مذکور، حدیث زیر را به ذهن انسان تداعی می‌کند: «پیامبر فرمود: هرگاه نور ایمان به درون انسان راه می‌یابد، درونش گشوده می‌گردد، از پیامبر (ص) پرسیدند آیا نشانه‌ای برای این امر وجود دارد؟ فرمود: «التَّجَافِي عَنْ دَارِ الْغُرُورِ، وَالْإِنَابَةَ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ» (بیهقی، ۱۴۲۳: ۱۳۳/۱۳) «دوری گزیدن از سرای غرور و بازگشت به سرای جاویدان.»

۷-۱-۴: جامع المال و بنی الدنيا

ابوالعتهیه خطاب به جمع آورنده اموال دنیا که عاقبت آن را برای دیگران به ارث می‌گذارد، هشدار می‌دهد که بعد از مرگ، از این اموال بهره‌نخواهی برد و او را از ارتکاب گناهان بر حذر می‌دارد:

يَا جَامِعَ الدُّنْيَا الْكَثِيرَ لِغَيْرِهِ إِنَّ الصَّغِيرَ مِنَ الذُّنُوبِ كَبِيرٌ
(ابوالعتهیه، همان: ۱۲۴)

ای کسی که (مال) دنیا را بسیار به ناحق برای دیگری می‌اندوزد، بی‌تردید گناهان کوچک نیز بزرگ هستند.

شاعر در این خطاب هشداردهنده از حدیث نبوی و ساختار مؤکد آن تقلید نموده است: «لَا يُعْبَطَنَّ جَامِعُ الْمَالِ مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ، - أَوْ قَالَ: مِنْ غَيْرِ حَقِّهِ، - فَإِنَّهُ إِنْ تَصَدَّقَ لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ» (حاکم، ۱۹۹۰: ۵/۲) «هر کس مالی را از غیر حلال به دست آورد، اگر آن را به عنوان صدقه بپردازد، (ثواب آن) از او پذیرفته نمی‌شود.»

۷-۱-۶: هادم اللذات

از جمله موضوعات مهم که ابوالعتهیه در اشعارش به عنوان حقیقتی اجتناب‌ناپذیر در زندگی انسان از آن بسیار یاد کرده، مقوله مرگ است. هم او، به پیروی از واژگان و مضامین نبوی، یاد مرگ را از بین برنده هوس‌ها و لذت‌ها نامیده است و خطاب به آن می‌گوید: ای مرگ راه‌گریزی از دست تو نیست:

أَيَا هَادِمِ اللَّذَاتِ مَا مِنْكَ مَهْرَبٌ تُحَاذِرُ نَفْسِي مِنْكَ مَا سَيُصِيبُهَا
(ابوالعتهیه، همان: ۴۵)

(ای مرگ) ای از بین‌برنده لذت‌ها! که هیچ‌گریزگاهی از تو وجود ندارد، نفس من، در آنچه که بعداً به آن دچار خواهد شد، از تو می‌ترسد.

بیت مذکور، این حدیث نبوی را در ذهن تداعی می‌کند: «فَأَكْثَرُوا مِنْ ذِكْرِ هَادِمِ اللَّذَاتِ الْمَوْتِ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۴۳۶/۲) «از یادآوری منهدم‌کننده لذت‌ها، مرگ را بسیار به یاد آورید.»

۸- ابعاد مختلف اثرپذیری ابوالعتاهیه از عبارات احادیث نبوی

اقتباس و وام‌گیری ابوالعتاهیه تنها به واسطه واژگان احادیث نبوی نیست؛ بلکه وی از ساختار عبارات و جملات نیز به طور فراوان در تصویرپردازی‌ها و هنرنمایی‌های شاعرانه خود استفاده نموده است. شاعر، احادیث نبوی را کاملاً با اسلوب شعری خویش عجین نموده و با تغییر در ساختار لفظی آن احادیث، اشعاری دل‌ربا را تولید و سروده است. هم‌اوست مضمون و ساختار احادیث را به گونه‌ای در اشعار خود بازآفرینی نموده که گویی خود آفریدگار آن مضمون و سخن پر محتوا بوده است. تعامل و پیوند میان متن پنهان «حدیث نبوی» و متن حاضر «اشعار» به قدری زیبا و دقیق است که توسط این شاعر ایجاد شده است که کم‌تر کسی می‌تواند به حدیث بودن آن عبارات و اشعار پی ببرد. در این بخش از مقاله، به طور استقرایی، از سراسر دیوان این شاعر به برخی از این نمونه‌ها پرداخته می‌شود:

۸-۱: دوری جستن از شک و شبهه

ابوالعتاهیه در بیت زیر درباره ترک اموری که انسان را به شک و شبهه می‌اندازد و انجام اموری که انسان به حلال بودن آن یقین دارد، بحث می‌کند:

دَعْ مَا يَرِيْبُكَ لَا تَأْتِيهِ
وَجُزْءُ اِلٰى كُلِّ مَا لَا يَرِيْبُ

(ابوالعتاهیه، همان: ۳۸)

آنچه تو را به شک و شبهه می‌اندازد، رها کن و به آن مپرداز و به چیزی روی بیاور که تو را به شک و شبهه نمی‌اندازد (و در حلال بودن آن تردیدی نداری).
ملاحظه می‌شود که مضمون و ساختار این بیت، کاملاً برگرفته از این حدیث پیامبر (ص) است که ابوالعتاهیه آن را در قالب بیت شعری، بازآفرینی نموده است: «دَعْ مَا يَرِيْبُكَ اِلٰى مَا لَا يَرِيْبُكَ» (بخاری، ۲۰۰۰: ۳۷۰/۴؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۱۵/۱۵) «آنچه تو را به شک و شبهه می‌اندازد، ترک کن و به چیزی روی بیاور که تو را به شک نمی‌اندازد.»

۸-۲: ثروت حقیقی، غنای درون

ابوالعتاهیه هم‌چون مرشد و راهنمایی خیرخواه و نصیحت‌گری مهربان همواره انسان‌ها را به آموزه‌های دینی و به ویژه غنای درون و قناعت نفس سفارش می‌کند و چنین اندرزهای حکیمانه به

و فور در دیوان شاعر دیده می‌شود. هم او، به تأسی از آموزه‌های رسول اکرم (ص) بهترین ثروت برای انسان را همان غنای درون دانسته و می‌گوید:

لَيْسَ الْغِنَى نَشَبٌ فِي يَدٍ وَلَكِنَّ غِنَى النَّفْسِ كُلُّ الْغِنَى
(ابوالعناهیة، همان: ۱۴)

بی‌نیازی مال و کالایی در دستان تو نیست؛ بلکه بی‌نیازی نفس و درون، آخر تمام توان‌گری‌ها و بی‌نیازی‌ها است.

این بیت شعر از ابوالعناهیة، بازتاب و انعکاسی از حدیث شریف زیر از نبی مکرم اسلام (ص) به‌ویژه از جهت مضمون و ساختار است که فرمودند:

«لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ وَلَكِنَّ الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ» (حرآسی، ۱۴۰۴: ۵۲/۲؛ بخاری، همان: ۳۲۷/۱۱-۳۲۸) «ثروتمند بودن در مال و متعلقات آن نیست؛ بلکه ثروتمندی، تنها غنای نفس و درون است.»

۳-۸: نیت خالصانه، شرط پذیرش اعمال

در شریعت اسلام یکی از معیارهای پذیرش اعمال بندگان در نزد آفریدگارشان، نیت خالصانه داشتن برای خداوند است که ابوالعناهیة در سایه آیات و احادیث نبوی، به اهمیت نیت صادق و پاک به‌دور از ریا پی برده است، تا جایی که به واسطه بازآفرینی متون حدیثی درون ساختار و سبک شعری خود، به این مهم پرداخته و انسان‌ها را به فضیلت نیت پاک و خالصانه فرا خوانده و شرط قبولی اعمال انسان‌ها را در پیشگاه خداوند متعال، نیت خالصانه قلمداد نموده است و می‌گوید:

وَأَلَّهُ لِلنَّاسِ فِي أَعْمَالِهِمْ وَكُلُّ نَاوٍ قَلْبُهُ مَا نَوَى
(ابوالعناهیة، همان: ۱۸)

خداوند متعال در امور مردم یاری‌گر آنان است و برای هر نیت‌کننده‌ای آن است که نیت و قصد نموده است.

شاعر بیت فوق را از حدیث شریف: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى» الهام گرفته است (بخاری، همان: ۱۲/۱؛ حرّ عاملی، همان: ۷۸/۱) «جزای اعمال انسان تنها به نیت آنان بستگی دارد و برای هر فردی، تنها آن‌چه است که نیت نموده است.»

۸-۴: جزا از جنس عمل

از شاهکارهای ابوالعتاهیه در تعامل با احادیث نبوی این است که حکمت‌ها و اندرزهای موجود در احادیث شریف را در قالب تصویرسازی‌های بی‌نظیر ادبی ارائه داده و برای اثبات ایده‌های خود، بر اساس اسلوب ادبی و صنعت بدیعی «مذهب کلامی»، معارف عمیق نبوی و اسلامی را به شاهد گرفته است. وی، در رابطه با روز قیامت و پاداش بندگان، با توجه به اعمالی که در دنیا انجام داده‌اند، از احادیث پیامبر اکرم (ص) بهره می‌گیرد و چنین می‌سراید:

كُلُّ امْرِئٍ فَمَا يَدِينُ يُدَانُ سُجَّانَ مَنْ لَمْ يَخْلُ مِنْهُ مَكَان

(ابوالعتاهیه، همان: ۳۱۱)

هر کسی هر عملی را که انجام می‌دهد، همانند آن عمل، به او پاداش داده می‌شود، پاک و منزّه است آفریدگاری که هیچ جایی خالی از او نیست.

شاعر این شعر را از سخن حکیمانه و پر محتوای رسول اکرم (ص)، با عنوان: «كَمَا تَدِينُ تُدَانُ» (کلینی، ۱۳۶۳: ۶۵/۱۱) «همان‌سان که پاداش می‌دهید، پاداش داده خواهید شد»، اقتباس نموده است.

۸-۵: مرگ، بهترین نصیحت

یاد مرگ، یکی از شالوده‌های مهم تفکر ابوالعتاهیه است که در سراسر اشعارش موج می‌زند. شاعر، به تأسی از احادیث رسول گرامی اسلام (ص) مرگ را بهترین واعظ و نصیحت‌گر بی‌صدا و بهترین عبرت برای عاقلان و اندیشمندان قلمداد می‌نماید و چنین می‌سراید:

كَفَى بِالْمَوْتِ مَوْعِظَةً وَعِبْرَةً لِمَنْ عَقَلَا

(ابوالعتاهیه، همان: ۲۶۶)

کافی است که مرگ موعظه و عبرتی برای عاقلان و اندیشمندان باشد.

حدیث نبوی چنین است: «كَفَى بِالْمَوْتِ مَوْعِظَةً» (کلینی، ۱۳۶۳: ۳۰۵/۳) «مرگ برای اندرز گرفتن بس است.» حدیث مذکور در جایی دیگر نیز چنین روایت شده است: «كَفَى بِالْمَوْتِ وَعِظًا» (بیهقی، همان: ۴۸۱/۲۱)

۶-۸: ظلم، تاریکی روز قیامت

با نگاهی کوتاه به دیوان ابوالعتهایه چنین دریافت می‌شود که وی چشمه‌ای جوشان و دریایی خروشان از حکمت‌ها، اندرزها و بایسته‌های اخلاقی را در خود جای داده است، به طوری که، هر کس در اشعار او تعمق کند به روشنی تأثیر احادیث نبوی شریف را ملاحظه می‌نماید و در می‌یابد که ساختار و مضامین اشعار او، آینه‌ای تمام‌نما در برابر احادیث گرانمایه پیام‌آور خدا است. به عنوان مثال، از دیگر مفاهیمی که شاعر در اشعار خود منعکس نموده، مفهوم ظلم است که - با الهام از احادیث نبوی - از آن به تاریکی‌های روز قیامت تعبیر نموده است، بیت زیر از آن جمله است:

إِيَّاكَ وَالظُّلْمَ إِنَّهُ ظُلْمٌ إِيَّاكَ وَالظَّنَّ إِنَّهُ كَذِبٌ

(ابوالعتهایه، همان: ۲۸)

از ظلم بپرهیز، چرا که آن تاریکی‌ها است و از بدگمانی برحذر باش؛ زیرا بدگمانی، نوعی دروغ به حساب می‌آید.

مصراع اول این بیت، برگرفته از حدیث نبوی شریف است، با این مضمون: «الظُّلْمُ ظُلْمَاتُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (ترمذی، ۱۹۹۸: ۳۳۳/۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۹/۸۹) «ظلم، تاریکی‌هایی در روز قیامت است». هم‌چنین با نگاهی به مصراع دوم این بیت که ظن و بدگمانی را دروغ می‌پندارد، روشن است که شاعر از حدیث شریف زیر از رسول اکرم (ص) الهام گرفته است: «إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ» (بخاری، همان: ۷/۱۲ و حرعاملی، همان: ۱۶۵/۲۶) «از گمان بد بپرهیزید؛ زیرا گمان بد، دروغ‌ترین سخن است.»

۷-۸: ادب، زینت عقل

نعمت عقل از نعمت‌های بزرگ خداوند است که به بشریت عطا نموده و به وسیله آن، انسان را از سایر موجودات متمایز نموده و برتری داده است. ابوالعتهایه در اشعارش، به ادب و متانت، به عنوان یکی از دستاوردهای بزرگ عقلی، اشاره کرده و با الهام از احادیث رسول گرامی اسلام (ص) آن را زینت و محصول خرد انسان قلمداد نموده است و می‌گوید:

مَا أَنْفَعَ الْعَقْلَ لِأَصْحَابِهِ وَزِينَةَ الْعَقْلِ تَمَامُ الْأَدَبِ

(ابوالعتهایه، همان: ۳۴)

چه قدر عقل و خرد برای خردمندان سودمند است و زینت عقل، به منزله تمام ادب است.

با اندکی تأمل در بیت فوق، ملاحظه می‌گردد که شاعر با تأسی از حدیث شریف نبوی مکرّم اسلام (ص) و بازآفرینی آن حدیث به صورت جزئی، زینت خرد را ادب و وقار کامل برای انسان دانسته است. هم او، واژه «تَمَامُ الْأَدَبِ» را از حدیث نبوی اقتباس نموده و آن را در اشعار خود تغییر جزئی داده است. متن حدیث شریف از رسول خدا (ص) چنین است: «حُسْنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۸/۹۵) «ادب نیکو، زینت عقل است.»

۹- اثرپذیری ابوالعتاهیه از مضامین احادیث پیامبر اکرم (ص)

ابوالعتاهیه با شدت و علاقه‌ای خاص به انعکاس احادیث نبوی در شعر خویش پرداخته و این اثرپذیری را از زوایای متعدّد به‌ویژه در بیان تصویر دنیا و تصویر مرگ و رویدادهای پس از آن و تصویر صحنه‌های قیامت و هم‌چنین پند و اندرزهای اخلاقی و حکمت‌آمیز، بیش از هر چیز دیگر تجلی بخشیده است.

از آن‌جا که وام‌گیری ابوالعتاهیه از مضامین سخنان گهربار رسول خدا (ص)، دامنه‌ای وسیع از اشعار او را دربر گرفته است، بنابراین پرداختن به تمامی آن احادیث شریف، از گنجایش این مقاله خارج است؛ لذا تنها به بیان مواردی از آن بسنده نموده‌ایم.

هرچند از نگاه آموزه‌های دینی، دنیا و پدیده‌های آن یکی از راه‌های شناخت خداوند متعال و آینه تمام‌نمای جلال او به شمار رفته و برای وارستگان، تجلی‌بخش جلوه‌ای از قدرت مطلق خداوند است و هر چیزی بر پایه خیر، حکمت و حسن و هدف آفریده شده است: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» (سجده / ۷) و نیز در برخی از آیات قرآنی سفارش شده است که: «وَلَا تَنْسَ نَصِيكَ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص / ۷۷) «بهره‌ات را در این دنیا فراموش مکن»؛ اما در برخی روایات دیگر، نکوهش و تحقیر دنیا دیده می‌شود که در حقیقت، این تحقیر و مذمت، متوجه دنیاپرستی و دنیاگرایی است؛ از این‌رو، مکتب وحی الهی و مکتب نبوی، همواره خطر وابستگی و دلبستگی به دنیا را گوشزد کرده و راه‌های خروج از مادی‌گرایی را نیز ترسیم نموده است.

ابوالعتاهیه، شاعر زهدسرای دوره عباسی به پیروی از مضامین احادیث نبوی، گاهی به تحقیر و مذمت دنیا می‌پردازد و گاهی نیز آن را برای فرد مؤمن، زینده می‌داند؛ اما مقصود وی از نکوهش دنیا، وابستگی به امور دنیوی و در قید اسارت ماندن آن است که باعث رکود، سکون و بازایستادن

پرواز روحی و معنوی انسان می‌شود. و اینک توصیف دنیا و رهنمودهای شاعر در ارتباط با فریبندگی‌ها، ناپایداری‌ها، رنج‌ها و نومیدی‌ها از زبان او شنیدنی است:

۹-۱: در دنیا غریب‌وار و مسافرگونه باش

ابوالعاهیه، به پیروی از احادیث نبویّ به انسان سفارش می‌کند که در این سرای گذر، غریب‌وار زندگی کند؛ زیرا مادام که انسان خود را متعلق به این دنیا نداند و با توجه کامل به آخرت زندگی کند، همواره با آرامش روح و روان، به یاد خدا خواهد بود. در بیت ذیل، شاعر، هشدار می‌دهد که ای انسان! مگر نمی‌دانی در این دنیا غریب و مسافر هستی؛ پس چرا آن را به عنوان وطن و جایگاه خود، انتخاب کرده‌ای؟

أَرَأَيْكَ لِمُتَدْرِكِكَ مُسْتَوْطِنًا أَلَمْ تُدْرِكْ فِيهَا غَرِيبًا
(ابوالعاهیه، همان: ۳۸)

می‌بینمت که در دنیایت سکنی گزیده و آن را وطن خود ساخته‌ای، آیا نمی‌دانستی که تو در این دنیا به مانند رهگذر و غریبه‌ای هستی.

در احادیث رسول خدا (ص)، همین مضمون بیان شده است، تا جایی که، ابن عمر، روایت نموده است که: روزی پیامبر خدا دستم را گرفت و فرمود: «كُنْ فِي الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ وَعَابِرٌ سَبِيلٍ» (مجلسی، همان: ۱۰۶/۸۷؛ بخاری، همان: ۲۸۰/۱۱) «در دنیا به گونه‌ای باش که گویی مسافر و رهگذری هستی.»

شاعر، با نگاهی دیگر به دنیا، ساکنان آن را مسافرانی می‌داند که به زودی از آن‌جا نقل مکان می‌کنند و این سفر کوتاه و زودگذر، هر چه سریع‌تر، پایان خواهد پذیرفت:

إِنَّا لَمُسْتَوْطِنُونَ دَارًا نَحْنُ بِهَا عَابِرٌ سَبِيلٍ
(ابوالعاهیه، همان: ۲۵۱)

ما در سرایی سکنی گزیده‌ایم که در آن مسافر و رهگذر هستیم.

بیت فوق، دقیقاً بازتابی از همان حدیث را از جهت ساختار و مضمون ارائه می‌دهد: «كُنْ فِي الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ أَوْ عَابِرٌ سَبِيلٍ» (اسدی اندلسی، ۲۰۰۹: ۴۳۷/۳) «در دنیا به گونه‌ای باش (زندگی کن) که گویی رهگذری هستی.»

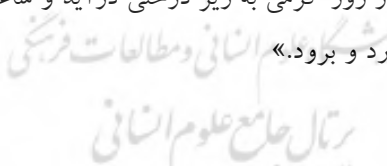
ابوالعاهیه، در جایی دیگر از اشعار خود، زندگی زودگذر دنیا را به کاروان‌هایی تشبیه می‌کند که لحظه‌ای در زیر سایه‌ساری آرام می‌گیرند؛ اما خیلی زود بانگ رحیل زده می‌شود و از آن‌جا نقل مکان می‌کنند؛ توگویی که انسان‌ها در این سرای گذر همواره در گذر هستند و به زودی این سفر عمر، به پایان خواهد رسید. شاعر، این مفهوم زیبا را از سخن گهربار رسول اکرم (ص) اقتباس نموده و این چنین آن را در قالب اشعار خود بازسازی نموده است:

۱. إِنَّ دَارًا نَحْنُ فِيهَا لِدَارٌ لَيْسَ فِيهَا لِمُقِيمٍ قَرَارٌ
۲. كَمْ وَكَمْ حَلَّهَا مِنْ أَنْاسٍ ذَهَبَ اللَّيْلُ بِهِمْ وَالنَّهَارُ
۳. فَهُمْ الرُّكْبُ أَصَابُوا مُنَاخًا فَاسْتَرَاخُوا سَاعَةً ثُمَّ سَارُوا

(ابوالعاهیه، همان: ۱۳۲)

۱. همانا خانه‌ای که ما در آن ساکن هستیم، سرایی است که هیچ مقیمی در آن آرام ندارد. ۲. چه بسیار آدم‌هایی که در این خانه‌ها ساکن شدند که روزگار آنان را برد (پراکنده و نابود ساخت). ۳. آنان همانند کاروان‌هایی بودند که به اقامت‌گاهی رسیدند، پس برای لحظه‌ای استراحت کردند، سپس رفتند.

متن حدیث چنین است: «مَالِي وَلِلدُّنْيَا إِنَّمَا مَثَلِي وَمَثَلُهَا كَمَثَلِ الرَّكَابِ رُفِعَتْ لَهُ شَجْرَةٌ فِي يَوْمٍ صَائِفٍ فَقَالَ تَحْتَهَا ثُمَّ رَاحَ وَتَرَكَهَا» (مجلسی، همان: ۳۶۲/۱۷) «مرا با دنیا چه کار؟! حکایت من و دنیا حکایت سوارکاری است که در روز گرمی به زیر درختی درآید و ساعتی در سایه آن بیارامد (خواب نیم‌روز) سپس آن را واگذارد و برود.»



۹-۲: دنیا کم ارزش‌تر از بال پشه

ابوالعاهیه، در برخی اشعار خود، به طوری واضح، در تعریف و بیان ماهیت و حقیقت دنیا، از احادیث رسول اکرم (ص) تأثیر پذیرفته و مضمون و ساختار کلام نبوی (ص) را در قالب شعری خود، به این‌گونه بازآفرینی و منعکس نموده است:

- لَا تَعْدِلِ الدُّنْيَا جَنَاحَ بَعُوضَةٍ لَدَى اللَّهِ أَوْ مِقْدَارَ نَعْبَةِ طَائِرٍ
- (ابوالعاهیه، همان: ۱۲۸)

دنیا در نزد خداوند به اندازهٔ بال پشه‌ای یا به مقداری که در دهان پرنده‌ای جای می‌گیرد، ارزش ندارد.

پیامبر اکرم (ص) نیز، در این مورد، چنین فرموده است: «لَوْ كَانَتْ الدُّنْيَا تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ جَنَاحَ بُعُوضَةٍ مَا سَقَىٰ كَافِرًا مِنْهَا شَرْبَةً مَاءٍ» (ترمذی، ۱۹۹۸؛ ۲۹۹/۸؛ صدوق، ۱۴۱۷؛ ۱۳۴/۲). «اگر دنیا به اندازهٔ بال پشه‌ای نزد خداوند متعال ارزش داشت، جرعهٔ آبی از آن را به فرد کافر نمی‌داد.»

۹-۳: ثروت دنیا، به اندازهٔ توشهٔ مسافر

همان‌گونه که در احادیث و اشعار پیشین ذکر گردید، انسان در این دنیا، مسافری است که هر لحظه در تلاش و رسیدن به مقصد ابدی خود است؛ لذا تعلق خاطر به دنیا و لذت‌های زودگذر آن پیدا نمی‌کند و همواره خود را برای سفر آخرت آماده می‌کند. بنابراین ابوالعتاهیه، با تدبیر در احادیث پیامبر اکرم (ص) در مقام نصیحت‌گری برای مخاطب اشعار خود برمی‌آید و سفارش می‌کند که مسافر این دنیا، شایسته است که اندازهٔ نیازش، کوله‌بار سفر خود را از دنیا برگیرد؛ تا سبکبار و آسوده‌خاطر به مقصد آخرت برسد:

تَبَغِيَ مِنَ الدُّنْيَا الْكَثِيرَ وَإِنَّمَا يَكْفِيكَ مِنْهَا مِثْلُ زَادِ الرَّكَّابِ

(ابوالعتاهیه، همان: ۴۲)

از دنیا فراوان می‌خواهی و بی‌شک به اندازهٔ توشهٔ یک مسافر، تو را کفایت می‌کند. متن فرموده پیامبر (ص) چنین است: «لَيْسَ كُنْ بُلْغَةً أَحَدِكُمْ مِثْلُ زَادِ الرَّكَّابِ» (بیهقی، ۱۴۲۳؛ ۳۲۹/۲۱؛ نمازی شاهرودی، بی‌تا: ۴۱/۹) «بهرهٔ هر کدامتان از این دنیا باید هم‌چون توشهٔ مسافر باشد.»

۹-۴: مال نیک برای مرد نیک

قرآن کریم، هرگاه از دارایی دنیا سخن به میان می‌آورد، از آن به عبارت «وَلَا تَتَسَنَّصِيكَ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص/۷۷) «سهم خود را از دنیا فراموش نکن» تعبیر می‌کند. ابوالعتاهیه نیز به پیروی از آموزه‌های دینی، دنیا و مظاهر آن را از آفریده‌های خداوند متعال به شمار می‌آورد و آن را نکوهش و مذمت نمی‌کند؛ زیرا دنیا را در ذات خود از نعمت‌های الهی به شمار آورده است و خداوند متعال، بد را نمی‌آفریند؛ بلکه نوع نگرش مردم به دنیا را نکوهش می‌کند؛ چرا که اگر مال دنیا با دین

فردی جمع شود، بسیار زینده است و وسیله کسب کمال معنوی آن فرد می‌شود؛ اما اگر خود دنیا هدف و منظور انسان قرار گیرد، بی‌گمان ناپسند و مذموم است:

۱. مَا أَحْسَنَ الدِّينَ وَالدُّنْيَا إِذَا اجْتَمَعَا وَأَقْبِحَ الْكُفْرَ وَالْإِفْلَاسَ بِالرَّجُلِ

۲. مَا أَحْسَنَ الدُّنْيَا وَإِقْبَالَهَا إِذَا أَطَاعَ اللَّهُ مَنِ نَالَهَا

(ابوالعاهیه، همان: ۱۳۰)

۱. چقدر نیکو هستند دین و دنیا، اگر با هم جمع گردند. ۲. و چقدر زشت است کفر و ورشکستگی برای مرد.

ابوالعاهیه، این اشعار با مضامین حکمت‌آمیز را از احادیث نبوی الهام گرفته است. در حقیقت، ابیات فوق تصویری از سخن پیام‌آور خدا (ص) است که ثروت پاک و حلال دنیا را زینده‌ی مرد نیکوکار می‌داند و می‌فرماید: «تَعَمُّ الْمَالُ الصَّالِحُ لِلْمَرْءِ الصَّالِحِ» (مجلسی، همان: ۲۹۲/۸۳؛ ابن‌حنبل، بی‌تا: ۱۹۵/۳۶) «چه نیکو است، مال خوب برای مرد خوب.»

۹-۵: تصویر مرگ

یاد مرگ یکی از مقوله‌های پرارزش در شعر ابوالعاهیه است که درباره‌ی آن فراوان سخن به میان آورده است و آن را «هادم اللذات» (از بین برنده لذت‌ها) ی زودگذر دنیا نام نهاده و همواره به‌سان معلمی دلسوز انسان‌ها را از دنیاگرایی و دنیاپرستی برحذر داشته و به تأسی از سخنان گهربار رسول گرامی (ص) انسان را پیوسته به زندگی در میان خوف و رجا یا به عبارتی بهتر، ترس از عقاب و امید به سرای جاودانه بهشت، تشویق نموده و چنین ابیاتی هنرمندانه را آفریده است:

۱. أَمَامَكَ يَا نَوْمَانُ دَارُ سَعَادَةٍ يَدُومُ الْبَقَا فِيهَا وَدَارُ شَقَاةٍ

۲. خُلِقْتَ لِإِحْدَى الْغَايَتَيْنِ فَلَا تَنْمُ وَكُنْ بَيْنَ خَوْفٍ مِنْهُمَا وَرَجَاءٍ

(ابوالعاهیه، همان: ۹)

۱. ای کسی که بسیار در خواب غفلتی، در برابر تو، دو سرای سعادت و شقاوت قرار دارد که هر دو جاودانه هستند. ۲. برای یکی از این دو هدف آفریده شده‌ای پس نخواب و همیشه بین ترس و امید زندگی کن.

در حقیقت ابیات فوق، انعکاسی بارز از حدیث نبوی شریف، در به تصویر کشیدن مرگ است: «وَمَنْ عَبَدَ اللَّهَ عَلَى مِيزَانِ الْخَوْفِ وَالرَّجَاءِ لَا يَضِلُّ وَيَصِلُ إِلَى مَأْمُولِهِ» (مجلسی، همان: ۲۷۸/۸۶) «هر

کس بر اساس ترس و امید خداوند متعال را عبادت نماید، هرگز از صراط مستقیم و از راه حق منحرف نمی‌گردد و به نقطه مطلوب و مورد انتظارش می‌رسد.»

۹-۶: تصویر آخرت

اندیشمندان و صاحب‌نظران درباره منشأ زهدیات ابوالعاهیه دیدگاه‌هایی متفاوت دارند. گروهی زهدیات او را «مانوی» و متأثر از فرهنگ ایرانیان دانسته و گروهی دیگر سرچشمه زهدیات او را کاملاً اسلامی و برگرفته از قرآن و حدیث قلمداد نموده‌اند و برخی دیگر نیز همانند «منصور بن عمار» در دوره عباسی، او را به این دلیل که در اشعارش تنها از مرگ سخن می‌گوید و از بهشت و جهنم سخنی به میان نمی‌آورد، به زندیق و کافر متهم ساخته‌اند. (اصفهانی، ۱۴۲۳: ۳۴/۴-۳۵)؛ اما با تأملی اندک در دیوان ابوالعاهیه درمی‌یابیم که اتهاماتی که بر شاعر وارد شده، وارد نیست؛ زیرا شواهدی فراوان وجود دارد که شاعر از بهشت و جهنم سخن به میان آورده است. نمونه‌هایی از آن‌ها که از حدیث نبوی شریف الهام گرفته شده است، در این مقاله بیان می‌شود:

۹-۷: تصویر صحنه‌های بدکاران و نیکوکاران

ابوالعاهیه، مهم‌ترین شاعر زاهدانه‌سرای دوره عباسی است که صحنه‌ها و حالت‌های بدکاران و نیکوکاران را در روز قیامت، به بهترین وجه ممکن به تصویر کشیده است. تا جایی که برخی از این انسان‌ها، سبکبار و آسوده و برخی با کوله‌باری از گناه در روز قیامت برانگیخته می‌شوند و برخی هم، بر چهره کشیده می‌شوند و برخی دیگر نیز، با چهره‌های درخشان و نورانی پا به عرصه قیامت می‌گذارند:

۱. هُوَ الْمَوْتُ يَا بْنَ الْمَوْتِ وَالْبَعْثُ بَعْدَهُ فَمِنْ بَيْنِ مَبْعُوثٍ مُخْفَأٍ وَمُنْقَلَأٍ

۲. وَمِنْ بَيْنِ مَبْعُوثٍ عَلَى حُرٍّ وَجْهٍ وَمِنْ بَيْنِ مَنْ يَأْتِي أَعْرَءَ مُحَجَّلًا

(ابوالعاهیه، همان: ۱۵۴)

۱. ای فرزند مرگ، آن مرگ است و بعد از مرگ نیز قیامت است، در آن هنگام گروهی سبکبار و بدون گناه و گروهی با کوله‌باری از گناه زنده می‌شوند. ۲. و گروهی با چهره نورانی و شاد برانگیخته می‌گردند و گروهی نیز با چهره‌ها و دستان نورانی زنده گردانده می‌شوند.

شاعر، مضمون دو بیت فوق را از حدیثی از رسول اکرم (ص) الهام گرفته است: «إِنَّ أُمَّتِي يَا تُونِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غُرٌّ مُّجَلِّينَ مِنْ أَثَرِ الْوُضُوءِ» (مجلسی، همان: ۳۲۰/۶۰؛ مسلم، بی تا: ۴۹/۲) «امت من در روز قیامت با پیشانی و دستان نورانی بر اثر وضو، به صحنه قیامت می آیند.»

۸-۹: تصویر گفتگوی خدا با بندگان

از دیگر صحنه‌های زیبای قیامت که شاعر با استشهاد به درون‌مایه‌ها و مفاهیم احادیث نبوی به تصویر کشیده است، گفتگوی خداوند متعال با بندگان خود، در روز آخرت است، آن‌جا که خداوند به بنده گناهکار خود می‌فرماید: «أَمَا اسْتَحْيَيْتَ مِنِّي؟ اسْتَحْفَفْتَ بِنَظْرِي وَلَمْ تَهَابْنِي؟» (دینوری، ۱۴۰۵: ۱۵۰ / ۷) «آیا شرم نکردی که مرا نافرمانی نمودی و مراقبت و نگاه مرا کوچک شمردی و از من نترسیدی؟» ابوالعتاهیه با الهام گرفتن از حدیث پیامبر اکرم (ص)، گفتگوی خداوند با بندگان خود را این گونه به تصویر کشیده است:

۱. فَيَا ذُلِّي وَيَا خَجَلِي إِذَا مَا قَالَ لِي رَبِّي
 ۲. أَمَا اسْتَحْيَيْتَ تَعْصِيَنِي وَلَا تَخْشَى مِنْ الْعَتَبِ

(ابوالعتاهیه، همان: ۳۰)

۱. ای وای از خجالت و شرمساری من، آن زمان که پروردگرم به من گفت: ۲- آیا از نافرمانی من شرم نکردی و از سرزنش من نمی‌ترسی.
 ملاحظه می‌شود که انعکاس و تجلی حدیث نبوی شریف، در ابیات فوق، نمودی بارز و برجسته دارد.

۹-۹: بهترین عمل، خوش رویی با مردم

توجه به مسایل اخلاقی، یکی از درون‌مایه‌های عمده، در مضامین اشعار ابوالعتاهیه است. او، به گشاده‌روی با مردم، به عنوان یکی از مصادیق اخلاق نیک، با الهام و اقتباس از احادیث نبوی، چنین سفارش می‌کند:

لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يُؤَسِّي بِفَضْلِهِ وَلَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يُرَى وَجْهَهُ طَلْقًا

(ابوالعتاهیه، همان: ۱۲۴)

هیچ خیری نیست در انسانی که با بخشش خود به عدالت رفتار نمی‌کند و هیچ خیری در انسانی که چهره‌ای گشاده ندارد، نیست.

بیت فوق برگرفته از مضمون این حدیث شریف از پیامبر اکرم (ص) است که فرموده‌اند: «كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ وَمِنْ الْمَعْرُوفِ أَنْتَ لَقِيَ أَخَاكَ بَوَجْهِ طَلْقٍ» (أحمد بن حنبل، همان: ۲۳۱/۲۹؛ نوری طبرسی، ۱۹۸۷: ۲۷/۵) «هر کار خوبی صدقه است و نیز از خوبی‌ها است که شما با چهره گشاده با برادر خود برخورد نمایید.»

۹-۱۰: آن چه برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز پسند

شاعر، در جایی دیگر از دیوان خود، به یکی از مقوله‌های مهم اسلامی که باعث آرامش، انسجام و همکاری در جامعه می‌شود، اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که آن چه برای خود می‌خواهی و می‌پسندی برای دیگران نیز پسند و آن چنان که دوست داری مردم با تو رفتار نمایند، تو نیز با دیگران به همان صورت، رفتار کن:

۱. إِبْغِ لِلنَّاسِ مِنَ الْخَيْرِ كَمَا تَبْغِي لِنَفْسِكَ
۲. وَأَصْنَعْ إِلَى النَّاسِ جَمِيلاً تُحِبُّ أَنْ يَصْنَعَهُ

(ابوالعاهیه، همان: ۱۵۹)

۱. برای مردم خوبی بخواه، همان‌طور که برای خودت می‌خواهی. ۲. با مردم به نیکی رفتار کن همان‌گونه که دوست داری مردم به نیکویی با تو رفتار نمایند.

شاعر در سرودن اشعار فوق، به این حدیث از پیامبر اکرم (ص) توجه داشته است: «أَحِبِّ لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ» (صدوق، ۱۴۱۷: ۲۸۹/۲) «هر چه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم پسند.»

۹-۱۱: محبوب‌ترین فرد نزد خدا، خوش اخلاق‌ترین با خانواده

ابوالعاهیه، در برخی اشعار خود تمام انسان‌ها را نیازمند و محتاج خداوند متعال دانسته است که در زیر سایه حق تعالی زندگی می‌کنند. وی، به پیروی از احادیث رسول گرامی (ص)، بهترین فرد را نزد خدا، با اخلاق‌ترین آنان نسبت به خانواده خود معرفی می‌کند و می‌گوید:

۱. الْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالٌ اللَّهُ تَحْتِ ظِلَالِهِ
۲. فَأَحِبُّهُمْ طُوراً إِلَيْهِ أَبْرَهُمْ بَعِيالِهِ

(ابوالعنايه، همان: ۱۹۸)

۱. تمام آفريدگان خداوند، عيال او هستند و در زير سايه اش زندگي مي کنند. ۲. محبوب ترين تمام آنان نزد خداوند نيكو کارترين آنان به عيالش باشد.

مضمون و ساختار آيات فوق را مي توان برگرفته از اين حديث شريف از رسول گرامي اسلام (ص) دانست که مي فرمايند: «الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ، وَأَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِيَالِهِ» (بيهقي، همان: ۵۲۱/۹؛ نوري طبرسي، همان: ۵۶۸/۷) «تمام مردم عيال خداوند هستند، و محبوب ترين بندگان نزد خداوند سودرساننده ترين آنان به عيال خود است.»

۹-۱۲: رحم کنيد تا مورد رحم شويد

ابوالعنايه در بيت زير، برخورد و تعامل انسان ها را با يکديگر نوعي پژواک گونه مي داند به اين معني که هر آن چه که انجام دهند، به خود باز مي گردد و هر چه بخشيده شود، عين آن گرفته مي شود، بنا بر اين زندگي که يک پژواک است، هميشه به سوي انسان باز مي گردد و بايد با يکديگر مهربان بود تا مهرباني و عطايت خداوند متعال شامل حال انسان گردد:

وَأَرْحَمُهُمْ لِرَبِّكَ خَلَقَهُ فَلَيرَحَمَنَّكَ إِنْ رَحِمْتَنَا

(ابوالعنايه، همان: ۶۰)

به خاطر خدا بر آفريدگانش رحم کن؛ زيرا اگر رحم کنی، خداوند نیز بر تو رحم می کند.

مضمون بيت فوق، از اين حديث نبوي مكرم اسلام گرفته شده است: «الرَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ أَرْضُوا مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمَكُمُ مَنْ فِي السَّمَاءِ» (بيهقي، همان: ۴۳۲/۲۲) «كسانی که به ديگران رحم کنند، خداوند مهربان به آنان رحم می کند، به کسی که بر روی زمين هست، رحم کنيد تا کسی که در آسمان است به شما رحم کند.»

نتیجه‌گیری

۱. ابوالعاهیه در بیان مضامین شعری خود، به وفور از احادیث نبویّ به صورت «نفسی کلی» (حوار) و «نفسی متوازی» بهره گرفته و گوی سبقت را در این میدان، از دیگر شاعران هم‌عصر خود ربوده است؛
۲. ابوالعاهیه در همه فنون شعری، اشعاری زیبا سروده است؛ اما در سرودن اشعار زاهدانه با رنگی از ادبیات دینی و مذهبی، شهرتی ویژه یافته است؛
۳. با نظر به اقتباس‌های فراوان ابوالعاهیه از احادیث و قرآن کریم و نیز صحبت از دنیا و آخرت و تجلیات مختلف آن در اشعارش، می‌توان نتیجه گرفت که وی، در زهدیاتش متأثر از فرهنگ و آیین مانوی و بودایی نیست؛ بلکه تحت تأثیر اندیشه‌های نبویّ و فرهنگ اسلامی است؛
۴. ابوالعاهیه، نه تنها از واژگان بی‌نظیر و ساختار احادیث نبویّ الهام گرفته؛ بلکه از جهت مضامین شعری نیز به شدت تحت تأثیر سخنان گهربار نبیّ مکرم اسلام (ص) بوده است؛
۵. سبک شعری ابوالعاهیه، بیش از هر چیز دیگر، عقل انسانی را مورد خطاب قرار می‌دهد و کمتر عواطف و خیال را برمی‌انگیزاند و از این جهت اشعار وی بیش‌تر به خطبه‌های منبری و موعظه شبیه است؛
۶. ناقدانی که ابوالعاهیه را تنها به دلیل این که وی فقط از مرگ سخن گفته است، به کفر و اثرپذیری از فرهنگ بیگانه متهم نموده، به خطا رفته‌اند؛ زیرا شواهد شعری فراوان در دیوان او یافت می‌شود که درباره قیامت، بهشت و جهنم است؛
۷. ابوالعاهیه به تاسی از احادیث پیامبر اکرم (ص) ذات دنیا را مذمت و نکوهش نکرده؛ بلکه فریبندگی‌های دنیا، و دنیادوستی انسان‌ها و ترجیح دنیا بر آخرت را از ناحیه آنان نکوهش نموده است و دقیقاً به همین جهت است که دین و دنیا را برای فرد مؤمن زینده می‌داند؛
۸. وام‌گیری ابوالعاهیه از احادیث نبویّ، بیشتر به گونه اقتباس پنهان، بر خلاف اقتباس رایج و مستقیم در میان شاعران معاصر وی است؛
۹. منبع زهدیات شاعر، به طور کلی برگرفته از مضامین اسلامی و احادیث نبویّ است که شاعر در مواردی بسیار متون و ترکیب‌های بلند احادیث را در قالب‌های شعری خود بازآفرینی نموده است.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن حنبل، أحمد (بی تا)، *المستند*، بیروت: دارالصادر.
۳. أبو العتاهیه، اسماعیل بن قاسم (۱۹۹۹م)، *الدیوان*، تحقیق الشیخ غرید، بیروت: مؤسسة الأعلمی، الطبعة الاولى.
۴. اسدی اندلسی، مهلب بن احمد (۱۴۳۰، ۲۰۰۹)، *المختصر النصیح فی تہذیب الکتاب الجامع الصحیح*، تحقیق احمد بن فارس السلوم، ریاض: دار التوحید، دار أهل السنة، الطبعة الاولى.
۵. اصفهانی، أبو الفرج (۱۴۲۳)، *الأغانی*، بیروت: دارالصادر.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل (۲۰۰۰)، *الجامع الصحیح (صحیح بخاری)*، بیروت: دار ابن کثیر.
۷. بیہقی، أبوبکر أحمد بن الحسین (۱۴۲۳، ۲۰۰۳)، *شعب الإیمان*، تحقیق و تخریج عبدالعلی عبدالحمید حامد، ریاض: مکتبة الرشد، الطبعة الاولى.
۸. پروینی، خلیل، عیسی متقی زاده و فاطمة توانا (۱۳۹۰)، جایگاه ادبیات در آثار امام صادق (ع) بررسی موردی: توصیه های امام صادق (ع)، *فصلنامه پژوهش های نقد و ترجمه*، تابستان، سال اول، شماره سوم، دانشگاه علامه طباطبائی، صص ۱-۲۵.
۹. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۹۹۸م)، *الجامع الكبير (سنن الترمذی)*، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت: دار الغرب الإسلامی، ستة الأجزاء.
۱۰. تزوتان، تودروف (۱۳۸۲)، *بوطیقای ساختارگرا*، ترجمه محمد نبوی، تهران: آگاه، چاپ اول.
۱۱. تطاوی، عبدالله (بی تا)، *التصیفة العباسیة*، قاهرة: مکتبة الغریب.
۱۲. جاحظ، أبو عثمان عمرو بن بحر (۱۴۲۳)، *البيان والتبيين*، بیروت: دار و مکتبة الهلال، ثلاثة الأجزاء.
۱۳. حاکم، أبو عبد الله محمد (۱۴۱۱، ۱۹۹۰)، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى.
۱۴. حرّ عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹)، *وسائل الشیعة*، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، الطبعة الاولى.
۱۵. حرّانی، أبو محمد حسن بن شعبة (۱۴۰۴)، *تحف العقول*، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفّاری، قم: مؤسسة النشر الاسلامی (التابعه) لجماعة المدرسين، الطبعة الثانية.

۱۶. دینوری، ابن قتیبه (۱۴۰۵)، *الشعر و الشعراء*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۷. ريفاتر، مايكل (بی تا)، *سيميوپتقيا الشعر*، ترجمة محمد معتصم، مغرب: منشورات كلية الآداب والعلوم الإنسانية.
۱۸. ژنت، ژرار (۱۹۸۵)، *مدخل لجامع النص*، ترجمة عبدالرحمن ايوب، بغداد: دارالشؤون الثقافية العامة.
۱۹. صدوق، أبي جعفر محمد بن علي بن بابويه القمي (۱۴۱۷)، *الأمالی*، بی جا، بی نا.
۲۰. ضيف، شوقي (بی تا) *العصر العباسی الاول*، قاهره: دارالمعارف، الطبعة الثامنة.
۲۱. عزام، محمد (۲۰۰۱)، *تجلیات التناسل فی الشعر العربی*، دمشق: اتحاد الكتاب العرب، طبعة الاولى.
۲۲. فاخوری، حنا (۲۰۰۵)، *الجامع فی تاریخ الأدب العربی*، بیروت: دارالجيل.
۲۳. کلینی، أبوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، *الأصول من الکافی*، تصحيح و تعليق على أكبر غفاری، طهران: دارالکتب الاسلامیة، الطبعة الخامسة.
۲۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، بیروت: دارالوفاء.
۲۵. محمد علیان، أحمد (۱۴۲۳)، *أبوالعناهیة حیاته وأغراضه الشعریة*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۶. مسعودی، أبوالحسن علی بن حسین (۱۹۹۱)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق محی الدین عبدالحمید، بیروت: دارالفکر.
۲۷. میرزایی، فرامرز و ماشاءالله واحدی، (۱۳۸۸)، «روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطری»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*، دوره جدید، شماره ۲۵ (پیاپی ۲۲)، صص ۲۹۹-۳۲۲.
۲۸. نمازی شاهرودی، حسن بن علی (بی تا)، *مستدرک سفینه البحار*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۲۹. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸، ۱۹۸۷). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، تحقیق مؤسسه آل البيت (ع)، بیروت: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، الطبعة الاولى.
۳۰. نیشابوری، مسلم (بی تا)، *صحیح المسلم*، تحقیق نوری، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۳۱. هدآرة، مصطفى (۱۹۹۷)، *اتجاهات الشعر العربی فی القرن الثالث الهجری*، بیروت: دارالعلم للملایین، الطبعة الثانية.